نگاه

مستندسازان پیش از بحران بر واقعیت نور می‌تابانند

ایسنا: آیین آغاز چهاردهمین جشن مستقل سینمای مستند ایران و نکوداشت دو پیش‌کسوت سینمای مستند، پنجشنبه ۲۸ آبان در موزه سینما برگزار شد. در ابتدای مراسم، پوستر چهاردهمین جشن مستقل سینمای مستند ایران رونمایی شد. محمدرضا فرزام اجرای مراسم را برعهده داشت.

آرش اسحاقی، رئیس جشن، بیان کرد: این رویداد را با تمرکز بر چهار واژه «چهاردهمین»، «جشن»، «مستقل» و «سینما» آغاز می‌کنیم تا با رویکرد، هویت و اهداف برگزاری آن بیشتر آشنا شویم. اگر در این سال‌ها با اتفاقات ناگوار مواجه نمی‌شدیم، اکنون دوره‌های بیشتری را پشت سر گذاشته بودیم.

واژه «جشن» در زبان فارسی به معنای ستایش است و در این جشن، آثاری مورد ستایش قرار می‌گیرند که نادیده‌گرفتن آنها به معنای نادیده‌گرفتن جوهره هنر است. او افزود: سینمای مستند با خلق سروکار دارد، نه صرفا ثبت‌کردن. در سینمای مستند، ثبت با سند برابر نیست. فیلم‌ساز پیش از وقوع حادثه صحنه را می‌بیند و آن را ثبت می‌کند اما ثبت‌کنندگان پس از حادثه خود را به صحنه می‌رسانند. اگر سیاست‌گذاران آگاه بودند مستند پیش از بحران بر واقعیت‌ها نور می‌تاباند، پس از بحران برای تولید فیلم بخش‌نامه صادر نمی‌کردند.

رئیس جشن درباره توجه مستند به ایران تأکید کرد: گوهرین‌ترین واژه در نام این رویداد «ایران» است. بی‌پروا می‌گویم در میان سینماگران، هیچ گروهی به اندازه فیلم‌سازان مستند دلبسته ایران نیستند. فیلم‌سازان مستند، زودتر از هر کاوشگری به کاوش در این خاک پرداختند. اسحاقی در پایان متذکر شد: ما سیاه‌نمایی می‌کنیم، این وظیفه و پیشه ماست. ما باید سیاهی‌ها را نشان دهیم تا تاریک‌اندیشانی که به ویرانی وطن تن داده‌اند، آسوده نخوابند. در ادامه با پخش ویدئویی و با حضور علیرضا دهقان و هادی معصوم‌دوست از محمدحسین حق‌گو تهیه‌کننده، پیش‌کسوت مستند تجلیل شد.

سپس حق‌گو بیان کرد: در سینمای مستند، تولید فیلم در مقایسه با سینمای داستانی فقط مرحله آغازین مسیری دشوار است. در سینمای داستانی، چالش‌های بعدی از جمله توزیع و نمایش آثار با هدف بازگشت سرمایه، اکران در نقاط مختلف کشور و حضور در جشنواره‌های خارجی، هرکدام مسیری سخت و دشوار را پیش‌روی فیلم‌ساز قرار می‌دهند. در سینمای مستند نیز با وجود امکانات محدود، رسیدن به مقصد مسیری پرمشقت و البته سرشار از خاطره است.

این تهیه‌کننده مستند اظهار کرد: به دلیل مسئولیت‌هایی که در بخش‌های دولتی برعهده داشتم، بخش عمده فعالیت حرفه‌ای من در حوزه فیلم‌های داستانی متمرکز بود. در آن سازمان‌ها، تعداد قابل توجهی فیلم داستانی بلند سینمایی، فیلم کوتاه و مستند مدیریت کردم اما هر زمان که از آن مسئولیت‌ها فاصله می‌گرفتم، با اشتیاق به سینمای دوست‌داشتنی مستند پناه می‌بردم. حق‌گو در پایان تأکید کرد: همواره نگاهی آرمان‌گرایانه به سینمای مستند داشته‌ام. هرچند بضاعت بودجه در این حوزه اندک است، اصرار بر حضور در این گونه از تولیدات سینمایی، نشانه عشق و تعلق خاطر به آن است.

در ادامه با حضور زینب تبریزی و آزاده موسوی، اعضای هیئت‌رئیسه جشن از نشان جدید این رویداد رونمایی شد. سپس با پخش ویدئویی و با حضور محسن استادعلی و سعید رشتیان از منوچهر مشیری تجلیل و نشان این رویداد به او اهدا شد. مشیری در ادامه اظهار کرد: من بسیار خوشحالم امروز جمعی را می‌بینم که خاطرات زیادی باهم داریم. حرف زیادی برای گفتن ندارم، فقط آمدم به همه شما ابراز ارادت کنم. در پایان مراسم آرش اسحاقی و مهرداد زاهدیان نشان نقره‌ای جشن را به حامد شکیبانیا، رئیس سیزدهمین جشن مستقل سینمای مستند ایران اهدا کردند.

در این مراسم افرادی همچون منوچهر مشیری، محمدحسن حق‌گو، پدرام اکبری، هما کیا، ارد زند، مرتضی رزاق کریمی، مهوش شیخ‌الاسلامی، حامد شکیبانیا، مهرداد زاهدیان، علی همراز، علیرضا زحمتکش، سعید رشتیان، علی تک‌روستا، مرتضی پایه‌شناس، محمد طیب، مسعود سفلایی، آرش اسحاقی، علیرضا حسینی، هومن مرادی‌کرمانی، محسن استادعلی، پریسا عشقی، فرزاد اکتسابی، مینا قاسمی زواره، کتایون جهانگیری، فرح زارع، الهام آقالری، علیرضا دهقان، هادی معصوم‌دوست، محدثه واعظی‌پور، بابک بهداد، جواد وطنی، آزاده موسوی، گیسو آزادروش، محسن سخا، مهدی قربان‌پور و مرتضی جذاب حضور داشتند.

به بهانه نمایش آثار عباس کیارستمی در پاریس

سینمای پرمهر ایرانی



بهنازشیربانی

مرور آثار عباس کیارستمی، فیلم‌ساز برجسته ایرانی، با نمایش ۱۸ فیلم از دوره‌های مختلف فعالیت حرفه‌ای او، از ۲۰ نوامبر تا ۲۴ دسامبر (۲۹ آبان تا سوم دی) در سینماتک «فیلموتک محله لاتن» پاریس برگزار می‌شود. این مجموعه، فیلم‌های بلند، فیلم‌های کوتاه و آثار کمتر شناخته‌شده کیارستمی را در کنار یکدیگر قرار داده و تصویری کلی از رویکرد سینمایی متمایز او و سهمش در سینمای ایران و جهان ارائه می‌دهد. بخش محوری این مرور آثار به سه‌گانه کوکر اختصاص دارد که فیلم‌های «خانه دوست کجاست؟»، «زندگی و دیگر هیچ» و «زیر درختان زیتون» را شامل می‌شود. این سه فیلم که در روستاهای شمال ایران و اطراف آنها می‌گذرند، با پرداختن به موضوعاتی همچون دوستی، مسئولیت‌پذیری، عشق و تاب‌آوری، زندگی مردم عادی را به تصویر می‌کشند و در عین حال مرز میان واقعیت و خیال را کم‌رنگ می‌کنند.

این مرور آثار همچنین چند فیلم از آثار تحسین‌شده کیارستمی در سطح بین‌المللی را نیز شامل می‌شود؛ از جمله «کلوزآپ»، ترکیبی از مستند و داستانی که براساس ماجرای واقعی جعل هویت ساخته شده است؛ «طعم گیلاس»، درباره مردی که به خودکشی می‌اندیشد؛ «باد ما را خواهد برد»، درباره اقامت یک فیلم‌ساز در روستایی دورافتاده و کردنشین؛ «دَه»، با محوریت گفت‌وگوهای یک زن با مسافرانش در تهران؛ «شیرین»، که بر واکنش زنان به یک اجرای نمایشی متمرکز است؛ «کپی برابر اصل»، درباره هویت و روابط انسانی؛ و «مثل یک عاشق»، داستانی درباره ارتباط‌های پیش‌بینی‌نشده در توکیو. همچنین فیلم‌های، «نان و کوچه»، «زنگ تفریح»، «تجربه»، «لباسی برای عروسی»، «همسرایان»، «به ترتیب با بدون ترتیب»، «همشهری» و «مشق شب» را نیز که چند اثر از فیلم‌های اولیه کیارستمی هستند، به نمایش گذاشته می‌شود. سال‌هاست عباس کیارستمی و سینمایش به یکی از پل‌های فرهنگی اصلی سینمای ایران بدل شده است. او بیش از سایر فیلم‌سازان ایرانی، سینمای ایران را به جهان شناساند و به دلیل نگاه و جهان‌بینی خاصش، نام او همواره یکی از اعتبارهای فرهنگی و هنری کشورمان محسوب می‌شود.

بسیاری از فیلم‌سازان دنیا از کیارستمی و نگاه منحصربه‌فرد او گفته‌اند. «اکی‌را کوراساوا» در توصیف علاقه‌مندی‌اش به آثار کیارستمی اشاره کرد: «کلمات نمی‌توانند احساسات من در مورد آنها را توصیف کنند. وقتی ساتیا جیت رای درگذشت، من بسیار افسرده شدم. اما پس از دیدن فیلم‌های عباس کیارستمی، خدا را شکر کردم که به ما شخص مناسبی را هدیه داد تا جای او را بگیرد».

سیدمحمد بهشتی که همواره نگاه عباس کیارستمی به سینما را تحسین می‌کند، در گفت‌وگویی کیارستمی را شاعر سینمای ایران می‌داند. او معتقد است: «کیارستمی مصداق عینی دیپلماسی هنری است».

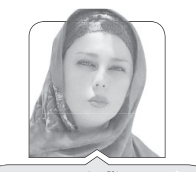
خاطره او از «طعم گیلاس» همچنان خواندنی است: «سال ۱۳۷۸، من همراه یک هیئت فرهنگی سفری به عربستان داشتم و آنجا با سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان، دیداری داشتیم. یک هیئت شش‌نفره بودیم و سرپرست هیئت، یکی از معاونان وزارت خارجه بود که همه را معرفی کرد و وقتی به من رسید، من آن زمان مسئول سازمان میراث فرهنگی بودم، شاید به خاطر رفاقتمان پیاز داغ قضیه را زیاد کرد و گفت او در سینمای ایران هم نقش دارد. سعود الفیصل بلافاصله گفت فیلمی به نام «طعم گیلاس» جایزه کن برده، درست است؟ گفتم بله و از من پرسید شما می‌شود به من بگویید با وجود علما، چگونه توانستید سینما را پیش ببرید؟ گفتم می‌توانید از علمایی که در جمع ما هستند بپرسید. قرار ملاقات ما به مدت ۲۰ دقیقه در نظر گرفته شده بود، در حالی که چهار ساعت طول کشید و من در تمام آن مدت راجع به فعالیت‌هایمان در زمینه سینما توضیح می‌دادم. بهانه‌اش عباس کیارستمی بود و این مصداق دیپلماسی هنری است. چرا سینمای ایران توانست سعود الفیصل را هیجان‌زده کند؟ او اظهار کرد از سینمای آمریکا متنفر است. من تلویزیون و فیلم نگاه نمی‌کنم، ولی کنجکاوم فیلم‌های شما را ببینم. به رسم تعارف، گفتم باشد و برایتان خواهم فرستاد. موقع رفتن، دستیارش دوان‌دوان به سویم آمد و گفت آقای وزیر گفتند فیلم‌ها یادتان نرود. در هتل هم منشی دفتر وزیر همان پیغام را داده بود. چند وقت بعد، در حالی که من در دفتر خودم نشسته بودم، از وزارت خارجه زنگ زدند سفیر عربستان اینجاست و سراغ فیلم‌ها را می‌گیرد. در آن موقع من مسئولیتی در سینما نداشتم؛ بنابراین به مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی زنگ زدم مجموعه‌ای از فیلم‌ها را برای وزیر خارجه عربستان آماده کنید تا برایش ارسال شود. خاطرم هست هر جلسه که با کیارستمی داشتم، همین‌طور که قصه خوب می‌گفت، سرتاسر وجودش قصه‌هایی بود که همه پایشان روی زمین بود. برای همین هم از دست رفتنش بسیار درد داشت». ابراهیم حقیقی، عکاس، گرافیست و از دوستان نزدیک عباس کیارستمی به مؤلفه‌های خاص سینمای او اشاره می‌کند. «بعد از تجربه ساخت فیلم‌های کوتاه و اولین فیلم بلندش، «گزارش»، در حقیقت، کیارستمی برای اولین‌بار با ساخت «خانه دوست کجاست؟» در جهان سروصدا به پا کرد. درباره مؤلفه‌های سینمای کیارستمی می‌توان به آن جاده زیگزاگ اشاره کرد که در هر سه‌گانه کوکر به چشم می‌خورد. این جاده، جاده‌ای برای رفتن و رسیدن است و همان رفتار انسانی که صحبت شد؛ آن تمنا و تقاضای آدم برای تعالی. در تمام فیلم‌های کیارستمی، این جاده با ظرافت‌های بسیاری به مهر ختم می‌شود.



احمدزاده می‌خواهد دفترچه را به نعمت‌زاده، در آن طرف روستا و در پشت کوه، برساند و آن را می‌رساند و وقتی که می‌رساند، با پیام گل برمی‌گردد. در «زندگی و دیگر هیچ»، وقتی خردمند در نقش کارگردان برای انتخاب بازیگر در حال جست‌وجو است، وقتی ماشین باید از یک سربالایی بالا برود که گفتند نمی‌توانی بروی، یک مرد زخمی دارد کپسول گازی را حمل می‌کند. چون دور گرفته بوده است، او را سوار نمی‌کند، ولی ماشین نمی‌تواند بالا برود. دوباره تلاش می‌کند و نمی‌تواند. سپس مرد کپسول‌به‌دوش را سوار می‌کند و آن مرد، کپسول را در ماشین می‌گذارد که علی‌القاعده، ماشین را سنگین می‌کند؛ با این حال، ماشین می‌تواند از سربالایی بالا برود. این همیاری و همراهی انسانی، از ظرافت‌های کوچکی است که در آثار کیارستمی قابل مشاهده است. در «طعم گیلاس»، «باد ما را خواهد برد» و «زندگی و دیگر هیچ»، پیرمردهایی کنار راننده می‌نشینند که بسیار حرف می‌زنند و حرف‌هایی که می‌زنند، بسیار اندیشیده‌شده است که کیارستمی با ظرافت تمام آنها را در فیلم گنجانده است تا تبدیل به شعار نشود. همه آنها خیام‌وار حرف می‌زنند». اما روایت سیف‌الله صمدیان، عکاس باسابقه و همراه همیشگی عباس کیارستمی درباره ظرافت‌های نگاه او جالب است: «تفاوت سینمای کیارستمی با سینمای هالیوود و بالیوود در این مثال ساده است که وقتی در سینمای هالیوود و بالیوود به شما فیلم نشان می‌دهند، در حقیقت شما روی یک صندلی خاص به گروگان گرفته آن فیلم‌ساز هستید و با چه شما را میخکوب می‌کند؟ با ترفندهای مختلف، از جمله تدوین تند و سریع، تا بازیگران خوش‌آب‌ورنگ، موسیقی و حتی مسائل انسانی که اصولا یک پای آن روی زمین نیست. ولی وقتی فیلم تمام می‌شود، همه‌چیز نیز برای شما تمام می‌شود و چیزی از آن فیلم در جان و دل شما باقی نمی‌ماند. وقتی فیلم آدم‌هایی مثل کیارستمی را می‌بینید که مؤلف هستند، هنگام خروج از سینما، تازه فیلم در تو شروع می‌شود. این معجزه قطعا در روایت اتفاق می‌افتد و ورود و خروجی است که به داستان‌ها دارند. ویژگی اصلی کیارستمی، چیزی بود که در ظاهر اصلا مشخص نمی‌شد، مگر اینکه سال‌های سال با او معاشرت داشتید و آن، فعالیت کودک درون کیارستمی در تمام لحظات زندگی‌اش بود. او دنباله‌روی این منطق بود که در سخن آندره کرتز، عکاس مشهور مجارستانی‌الاصل، نهفته است که می‌گوید: «بسیاری از مردم نگاه می‌کنند، ولی تعداد کمی می‌بینند». این قدرت دیدن، به‌جای نگاه‌کردن را که همان روزمرگی است و خیلی‌ها دنبالش می‌کنیم و به هیچ مقصدی نمی‌رسیم، او کشف کرده بود؛ بنابراین مثل کودکان می‌دید. این روشی است که در فیلم‌های او هم می‌بینید».

یادداشت

فساد اداری و فرسایش اعتماد عمومی هزینه‌ای که مردم می‌پردازند



شیدا آریایی‌پور

پژوهشگر حقوقی

این روزها بسیاری در ایران از فساد اداری می‌گویند؛ موضوعی که منحصر به زمان حاضر و دولت فعلی نبوده و از گذشته‌های دور نیز مردم به آن اشاره داشته‌اند. مسئله فساد در ایران را نمی‌توان فقط در پرونده‌های سال اخیر و فسادهای حوزه‌های نفت و انرژی جست‌وجو کرد. گاهی زمینه یک فساد بزرگ نه در یک تخلف آشکار، بلکه در تصمیمی شکل می‌گیرد که بدون شفافیت گرفته شده و هیچ‌کس نیز خود را موظف به توضیح درباره آن نمی‌داند. مانند موضوعاتی که در حوزه بانکداری و بیمه به وفور دیده می‌شود و ضرر و زیان آن تصمیم را مردم پرداخت می‌کنند. در این حوزه تنها چیزی که هدف قرار گرفته شده و غالبا کمتر به چشم می‌آید، موضوعی است به نام اعتماد عمومی که نه‌تنها از جیب مردم هزینه می‌شود، بلکه از جان و آبروی آنها نیز برای آن پرداخت می‌شود و در نهایت فاصله دولت را از مردم بیشتر می‌کند.

در ساختار حاکمیتی ایران با وجود نهادهایی نظیر دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور و چندین و چند نهاد موازی، ساختارهای اداری چرا تا این اندازه به فساد خو کرده است؟ چرا نهادهای نظارتی وظایف خود را به‌درستی انجام نداده‌اند؟ شاید کلید حل این معما در دستان مردم باشد؛ مردمی که حق اعتراض و گله‌مندی را در ساختار اجتماعی خود جا نداده و همچنان منتظرند نهاد و ارگان‌های مرتبط حق آنها را بازستانند.

تجربه کشورهای مختلف نشان داده است شفافیت در معاملات عمومی می‌تواند بسیاری از فرصت‌های فساد را محدود کند اما با نگاهی به ساختار بوروکراتیک و اداری پیچیده ایران و با وجود انواع سامانه‌های شفافیت، باز هم می‌بینیم فساد از در و پیکر ساختارهای اداری بالا می‌رود و دولت الکترونیک و ساختارهای مشابه هم زورشان به آن نمی‌رسد. «کی بود کی بود من نبودم» فقط پاسخ مدیرانی است که هیچ‌گاه پاسخ‌گو نیستند و نهادهای نظارتی هم گویا در این زمینه دچار سندرم فراموشی شده و هرازگاهی، پرونده‌ای را باز کرده و با مصداق تا درودی دیگر بدرود، نیمه‌تمام رها می‌کنند.

جدول ۵۴۶۴ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- آنکه از حد و مرز خود پا را فراتر می‌گذارد- از مرکبات- واحدی برای وزن معادل ۷۰۷ گرم ۲- کهن‌ترین خط جهان که از نشانه‌های تمدن ایرانی است- چای سبز ژاپنی ۳- معروف- کودن- غسل کودکان مسیحی ۴- راز نهفته- خلق نیکو- قطعه موسیقی برای سه نوازنده ۵- بندری در هند- مراقبت از بیمار ۶- ردوبدل‌کردن- سبقت- دارای نوک بسیار باریک ۷- از شناخته‌شده‌ترین فرم‌های موسیقی کلاسیک- خوش‌رفتاری- نام آذری ۸- رهبر حزب- دستگاهی برقی برای آشپزی بدون روغن- برادر شیرازی ۹- باده- درنگ- غریو ۱۰- طولانی‌ترین رشته‌کوه جهان- ضعف و سستی- همگانی ۱۱- معادل فارسی گرافیک- نام سه تن از پادشاهان اسکاتلند بود ۱۲- چشم خواب‌آلود شاعرانه- کلاه مردان مصری- سرپیچی‌کردن ۱۳- پیش‌غذا- نفت دریای شمال- بانگ شتر ۱۴- نام چند تن از پادشاهان فرانسه بود- فیلمی به کارگردانی الیویه داها و بازی ماریون کوتیار ۱۵- سوسن زرد- نوعی چاپگر کامپیوتری- نوعی مولد الکتریکی

عمودی:

۱- مسیر یک جرم آسمانی- پیرو دین اسلام- تک‌نوازی ۲- لبخند ملیح- نوعی هواپیمای مسافربری- بلندترین نقطه ۳- مأمور دوصفر هفت- درونی ۴- پاسخ مثبت- حافظ با دشمنان چنین کرد- شکل و صورت ۵- صوت شگفتی- لاف و گزاف- عددی دورقمی ۶- ماده ژلاتینی و شفاف حفره چشم- وضع موجود- تکرار حرفی ۷- فرزند زکریای نبی(ع)- مهم‌ترین قسمت خودرو- پارچه‌نوشته تبلیغاتی ۸- قسمتی از گوش- بیماری ناشی از کمبود ویتامین ب- شخصی ۹- کرانه آسمان- پشت سر هم- رزمگاه بوکس ۱۰- برهنه- نام سابق کاشمر- یک‌صدم فرانک ۱۱- رسم‌کردن- چاق- تکرار حرفی ۱۲- مجموعه افرادی که در یک جا زندگی می‌کنند- انجام کاری بیش از یکبار- قهرمان داستان ایلیاد ۱۳- اهل قبور- مقاومت و پایداری ۱۴- ساعت دست- ظاهر و باطنش یکی نیست- خانه‌های عرب ۱۵- عدل و انصاف- گوشت سرخ‌کرده که تخم‌مرغ روی آن بشکنند- رودی در مرکز ایتالیا



حل سودوکو ۴۴۵۹

۹	۶	۱	۳	۸	۵	۴	۷	۲
۲	۴	۳	۶	۷	۹	۱	۵	۸
۵	۸	۷	۱	۴	۲	۶	۹	۳
۷	۱	۴	۵	۹	۳	۲	۸	۶
۳	۲	۵	۸	۱	۶	۹	۴	۷
۶	۹	۸	۴	۲	۷	۳	۱	۵
۴	۳	۲	۷	۵	۱	۸	۶	۹
۱	۵	۹	۲	۶	۸	۷	۳	۴
۸	۷	۶	۹	۳	۴	۵	۲	۱

۸	۶	۷	۲	۳	۹	۱	۴	۵
۳	۴	۲	۵	۶	۱	۸	۷	۹
۹	۵	۱	۷	۴	۸	۳	۶	۲
۲	۱	۴	۸	۷	۳	۹	۵	۶
۶	۷	۹	۱	۵	۲	۴	۳	۸
۵	۳	۸	۶	۹	۴	۷	۲	۱
۱	۸	۵	۴	۲	۷	۶	۹	۳
۴	۲	۳	۹	۸	۶	۵	۱	۷
۷	۹	۶	۳	۱	۵	۲	۸	۴

حل جدول ۵۴۶۳

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ر	ب	■	خ	و	ش	ب	خ	ت	ی	■	ن	ف	ی	ر
۲	ض	ل	ا	ل	ت	■	خ	ز	ا	ن	ی	ه	■	ی	و
۳	ا	و	ر	د	■	ن	ت	ا	ج	■	ا	ن	د	ل	س
۴	ب	ر	ج	■	م	م	ک	ن	■	ا	ر	د	و	■	ت
۵	ر	ه	ا	و	ر	د	■	ه	م	ت	ا	■	م	س	ا
۶	ا	■	ن	ا	د	ا	ن	■	ا	ش	ن	ا	ی	ی	■
۷	ه	ه	■	ک	م	ر	گ	ی	ر	ی	■	م	ن	ف	ک
۸	ن	ا	ن	س	ی	■	ر	ا	ش	■	د	ا	و	و	د
۹	ی	ش	م	ی	■	پ	ا	ر	ا	ز	ی	ت	■	ن	و
۱۰	■	و	ا	ل	د	ی	ن	■	ل	ا	ه	و	ر	■	ح
۱۱	پ	ر	ی	■	و	ر	ی	د	■	و	ی	ر	گ	و	ل
۱۲	د	■	ش	ا	د	ی	■	ل	ح	ی	م	■	ب	ر	و
۱۳	ا	م	ی	ر	و	■	س	ا	ق	ه	■	ف	ا	و	ا
۱۴	ج	ت	■	ش	ک	ر	پ	ل	و	■	خ	ا	ر	ج	ی
۱۵	ا	ی	ز	د	■	ا	س	ت	ق	ر	ا	ر	■	ک	ی

سودوکو سخت ۴۴۶۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۷	۲					۵
						۸		
۵	۶	۴	۹	۱		۳		
			۳				۲	
۲		۳				۷		۱
	۴				۷			
		۲		۷	۶	۵	۳	۸
		۵						
۸			۹		۲			

سودوکو ساده ۴۴۶۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

				۳				
		۶	۴	۲		۷		۹
			۵	۶	۱		۲	
۲			۸			۱		
۸	۵			۷			۹	۲
		۷			۲			۵
	۸		۹	۱	۵			
۶		۱		۸	۳	۴		
				۴				